

# سخنان پدر راستین

اول اوت سال دوهزار و دو  
مرکز آموزشی سوتک ری در شهر کوری

(متن زیر دست نوشته‌های یکی از اعضاء در حین سخنان پدر مون می‌باشد.)

## “بازگشت پیروزمندانه‌ی والدین راستین به کشور زادگاه”

... ما در اصل می‌بایست دارای يك سنت خانواده می‌بودیم، و اگر سقوط نکرده بودیم آدم و حوا والدین عمودی و افقی می‌بودند... اصل الهی باید در مرکز زندگی ما قرار بگیرد ... ما با متمرکز شدن بر نسب خونی خدا باید نسب خونی خود را تغییر بدهیم ... اگر به خودمان بیاندیشیم سقوط خواهیم کرد ... نسب خونی یگانه است والدین هم یکی هستند، عشق نیز یگانه است. برای خاطر عشق است که پدر و مادر نیز یکی می‌شوند و سپس نطفه شکل می‌گیرد ... ما باید ایده‌آل خانواده را برپا کنیم، زن و مرد با بخود اندیشیدن نمی‌توانند فاعل باشند ... درواقع مرد و زنی که بخود می‌اندیشند برای سواستفاده از یکدیگر بسوی هم خواهند رفت، این طرز تلقی باید تغییر کند... وقتیکه جسم و روختان یکی شود شما تحریک خواهید شد و تحت تاثیر هیچ نیروی منفی قرار نخواهید گرفت... وقتیکه مرد دستان زن را در دست خود می‌گیرد، الکتریسیته‌ی قوی تولید می‌شود ... در این موقعیت دستان خود را به هم گره بزنید، به همین خاطر در رابطه‌ی جنسی دستان مرد و زن بسوی یکدیگر می‌آید و دستان مرد در پائین و دستان زن در بالا قرار می‌گیرد ... عشق خدا تغییرناپذیر، ابدی و مطلق است ...

روز اول اوت روزی است که ما می‌توانیم دارای کشور بشویم ... براساس اصل الهی شما می‌توانستید با مشاهده ی بدن جسمی پسران رشد او را ببینید ... اگر سقوط شکل نمی‌گرفت همه‌ی ما لخت می‌بودیم و والدین براحتی می‌توانستند آمادگی اعضای بدن جسمی فرزندان خود را برای ازدواج ببینند. اما اکنون اگر والدین به پسرشان بگویند که لخت بشود، پسر خواهد گفت، چرا؟ چه شده است؟ اگر پدر و مادر براساس خواست خدا چنین سؤالی را مطرح کنند و ما خجالت بکشیم نشان می‌دهد که هنوز ما دارای طبیعت سقوط کرده هستیم... چه کسی صاحب جسم ما است؟ خدا. خانه‌ای که مردم می‌سازند برای چه کسی است؟ ... آیا روح و جسم شما در تضاد است؟ آنها باید یکدیگر را دوست بدارند ... کسانی که ندانند که والدینشان چه کسانی هستند مانند سگ (حیوان) هستند ... اگر باقی بمانید یا بمیرید، زوج شما همسر شما است، اگر دوست داشته باشید یا نه دوست نداشته باشید، زوج شما همسر شما است ... اگر خودخواه باشیم بازنده هستیم و همه چیز را باخته‌ایم ... شوهر و زن باید دستان خود را به هم گره زده، رقصیده و اینگونه رابطه‌ی جنسی برقرار کنند ... چرا مرد فاعل است؟ زن باید کوچکتر از مرد باشد آیا می‌دانید چرا؟ چرا جواب نمی‌دهید؟ ... زنان باسن بزرگی دارند و مردان شانه‌های بزرگی دارند و در این حالت هماهنگی وجود دارد ... اگر مرد و زن هر دو باسن بزرگی داشته باشند هماهنگی وجود خواهد داشت... چرا لبهای زنان نازک است؟ چون مادر برای تربیت فرزندان حرف می‌زند و بر این اساس لبهای آنها نازک است. پدر (در این مورد) نیازی به حرف زدن ندارد ... (وضعیت جسمی) زنان بسیار تغییر می‌کنند، چرا؟ زیرا زنان باید به مردان خود خوش‌آمد بگویند برای همین باید برای شوهران خود زیبا بوده و فکر کنند که چه چیزی برای همسرشان مناسب است ... مرد حتی اگر همسرش را کتک بزند، زن (چنین چیزی را) دوست دارد. وقتیکه مرد و زن به یکدیگر نظر دوخته و ببینند که هر کدام از دیگری زیباتر هستند، از خدا تشکر خواهند کرد ... اگر شما (زنان) شبیه فیل با چشمانی کوچک و دهانی بزرگ باشید آیا مردان چنین چیزی را دوست می‌دارند؟ آیا شما براستی

یکدیگر را تحریک می‌کنید؟ از این هدیه چگونه بهره برداری می‌کنید؟ ... وقتی مرد دستان خود را به دور زن حلقه می‌زند او لذت می‌برد، آیا خدا هم لذت می‌برد؟ ... وقتی که مرد و زن در کنار هم یکدیگر را لمس می‌کنند، احساس می‌کنند که انگاری بر روی بالش تکیه کرده‌اند، و در آغوش یکدیگر غرق لذت می‌شوند ...

آیا می‌دانید که دیگر من برکت نمی‌دهم! اگر پدر نباشد، فرزند ارشد می‌تواند تمامی برکات را از او دریافت نماید... خانواده باید با آموزشی صحیح یک محیط زیبا بسازد تا در آن خدا بتواند به ملاقات شما بیاید. شما باید محیطی زیبا بسازید تا بتوانید از والدین بهشت و زمین در آن دعوت بعمل آورید. شما باید یک زندگی زیبا بسازید تا همه به تماشای آن بنشینند، در غیر اینصورت باید بمیرید... اگر خواهان آن هستید که به بهشت دعوتتان کنند. باید به همه بر روی زمین خدمت کنید و آنها را به خانه‌های خودتان دعوت کنید، آنگاه دستان شما بسازد شعبه بازها خواهد شد... آلت تناسلی مردان معجزه‌ی آنها است. آیا می‌دانید این آلت برای چه منظوری بکار گرفته می‌شود؟ برای تولد فرزند! ما باید آن فرزندان را مایه‌ی افتخار خدا و والدین بسازیم و شاهد سه نسل کامل شده باشیم...

آیا زنان زیباتر از مردان هستند؟ آیا زنان پیچیده‌تر از مردان هستند؟ خدا به کسانی که می‌گویند: ... من مردم یا می‌خواهم بمیرم ... نیاز ندارد، شما باید رنج بکشید... من هشتاد و سه سال دارم و دو تا نود و چهار کیلوگرم وزن دارم و می‌توانم تا صد و بیست سالگی زندگی کنم. آنها نیکه از نهضت هماهنگ بیزار هستند حتماً از شنیدن چنین چیزی عصبانی خواهند شد...

در نتیجه شما مردان و زنان باید:

۱. وفادار باشید.

۲. خانواده‌ی ایده‌آل بسازید.

۳. هر روز برای اتحاد خانواده‌تان، دنیای روح و دنیای جسم سعی و تلاش داشته باشید.

دیگر هیچ حد و مرزی بین مذاهب وجود ندارد، ما کشور خدا و خود را بنا خواهیم کرد و تمامی حوزه‌های میانی دنیای روح و فردوس می‌بایست یکی شوند... انسانها در دنیای روح می‌خواهند تا من هر چه زودتر به آنجا بروم ولی شما می‌خواهید که من در اینجا بمانم. (شما بدین ترتیب) مانع رفتن من هستید ... شما باید رنج خدا را احساس کنید ... شما در حوزه‌ی تحت حمایت قرار گرفته‌اید ولی اگر در دنباله روی از انسانهای سقوط کرده زندگی کنید مورد حمله‌ی شیطان قرار خواهید گرفت. ما خواهان محیطی مه‌آلود نیستیم ولی کشور ژاپن اینچنین محیطی است ... فرزندان مستقیم شما در مقام خانواده، کشور و دنیا و مقدسین و خدا هستند، خدا در مقام والایی قرار دارد ولی برای نجات ما از جهنم به پائین آمده است ... در مشاهده‌ی چنان ایل گوگ متوجه می‌شوید که دو نفر، دو شخصیت وجود دارد، همه چیز دارای دو گانگی است مرد و زن، مذکر و مؤنث، همه موجودات دارای زوج هستند و همه به کنار هم می‌آیند... هر چه بیشتر شما بزرگتر باشید حدود و حوزه‌ی داد و گرفت شما وسیعتر خواهد بود، نقطه‌ی مرکزی نباید متغیر باشد، عشق والدینی و عشق برادری و خواهری نباید تغییر کنند...

شما باید برکت قبیله‌ی خودتان را به انجام برسانید. اگر شما عضو نهضت هماهنگ هستید باید خواهان برکت گرفتن همه‌ی انسانها باشید. شما باید در این مورد مسئولیت تقبل کنید در غیر اینصورت در دنیا روح به جهنم خواهید افتاد. بر این اساس، شما باید بدانید که بر روی زمین چگونه باید زندگی کنید... شما باید با اجازه‌ی من قبیله‌ی خود را پیوند زده و آنگاه همگی به پادشاهی بهشتی وارد شوید... زن برای مرد وجود دارد، شما خودتان در دنیای روح شاهد این امر خواهید بود، یک زن به هیچ وجه نمی‌تواند با یک زن دیگر ازدواج کند... ما باید مقام خودمان را حفظ کنیم، زن و مرد باید یکدیگر را دوست داشته و به‌همراهی یکدیگر وارد پادشاهی بهشتی بشوند ...

در این لحظه پدر راستین همسر کنفوسیوس را فراخوانده و به او گفت: باید تصویر کنفوسیوس را بر روی سینه‌ی خود آویزان کنی تا بتوانی مادر بازماندگان خود بشوی! سپس همسر محمد را فراخواند و برای اولین بار بشکل عمومی او را معرفی نمود و سپس به او گفت، چرا اینقدر ریز نقش و کوچک هستی؟ (همسر تو) محمد، درشت هیكل و خوب به نظر می‌آید. پس از آن همسر آگوستین را فراخواندند و پرسیدند که آیا با همسرت زندگی می‌کنی یا فقط خواب او را می‌بینی؟ باید عکس او را با خود حمل کنی تا همه بدانند که تو همسر آگوستین هستی! پدر راستین سپس از او خواست تا در ارتباط با رابطه‌اش با آگوستین با حضار سخن بگوید و او چنین گفت:

**همسر آگوستین:** همانطور که می‌دانید من با مردی ازدواج کرده‌ام که هزار و شصت و چهل و هشت سال پیش بر روی زمین زندگی می‌کرده است ... آنها نیکه هرگز دنیای روح را درک نکرده‌اند نمی‌دانند که من چه می‌گویم. زمانیکه والدین راستین فرمودند که تو با آگوستین برکت خواهی گرفت، درگیری بسیاری داشتم و بسیار دعا کردم: خدایا آیا این راهی است که من باید طی کنم؟ پدر فرمودند که باید ادامه داده و باور کنم. این خواست خدا است و من باید آن را دنبال

کنم و اگر چنین کنم اتفاقات باور نکردنی روی خواهد داد... سرانجام برکت گرفتم و توانستم به خدا و دنیا روح نزدیکتر بشوم. من از دریافت برکت بسیار سپاسگزار هستم.

روزی بهمراهی او چهل دقیقه دعا می‌کردم و از والدین راستین به خاطر دادن برکت به ما تشکر می‌کردیم. من براستی گذشت زمان را احساس نمی‌کردم و با گوشت و خون خود دعا می‌کردم... من به دنیای روح شهادت می‌دهم. باور دارم که خداوند راه را برای من باز نموده‌اند. خدا و والدین راستین با من مهربان بوده‌اند.

من بعد از برکت و زندگی با آگوستین می‌بینم که او بسیار رنج می‌کشد، از اینکه نتوانسته است بر روی زمین ناجی را ملاقات نماید. او فهمیده است که باید خود را برای دریافت والدین راستین آماده کند. او در مورد خدا، والدین راستین و دنیای روح شهادت می‌دهد و من به او افتخار می‌کنم. من از اینکه به اندازه‌ی آگوستین در شهادت دادن به والدین راستین مصمم نیستم، توبه می‌کنم. افراد بسیاری در دنیای روح به والدین راستین شهادت داده‌اند.

من همیشه با او داد و گرفت دارم، او همسر من است و بسختی در تلاش است. ولی چون من دارای جسم هستم باید تلاش بیشتری داشته باشم. من حمایت‌های دنیای روح را بطور جدی احساس می‌کنم. این موضوع تجربه‌ی هر روزی (زندگی) من است. من از صبح تا شب با او هستم، با او نشست و برخاست دارم، با او خورد و خوراک دارم، با او به بستر می‌روم و هیچگاه تنها نیستم. زندگی با یک انسان روح سختی نیست و کاملاً ممکن است.

روزی در خیابان صدائی را شنیدم که می‌گفت دوستت دارم عزیزم. و بار دیگر گفتم، من با تو هستم و قدرانم ... بیشتر اوقات در خواب و گاهی بطور واقعی صدای او را می‌شنوم. هر روز زندگی ما باید با (با روز دیگر) تفاوت داشته باشد، امروز ما با دیروز ... ما هر روز باید برای رفتن به چنان ایل گوگ لباس تازه بپوشیم. من متأسف هستم از اینکه نتوانسته‌ام بواسطه‌ی کارهایی که می‌بایست انجام می‌دادم و ولی نداده‌ام، به اندازه‌ی کافی توبه کنم.

**پدر راستین:** خواهرانی که ورکشاپ بیست و یک روزه را به اتمام رسانده و محل مخصوص ماموریت خود را دریافت کرده‌اند، در ارتباط با محل ماموریت خود جدی و مصمم باشید ... اعضائی که هنوز ورکشاپ ۲۱ یا ۴۰ روزه را سپری نکرده‌اند، اموالشان به سرقت خواهد رفت... ژاپنی‌ها باید برای رفتن به محل ماموریت خود حرکت کنند... آمریکا و ژاپن کشورهای شیطنی هستند. چنان ایل گوگ از جانی آغاز می‌شود که شما بتوانید در آن خودتان را فراموش کنید ... شما فاقد کشور هستید ... تلاش داشته باشید تا تمامی خواست و ایده‌آل خدا را بواقعیت درآورید.

**همسر آگوستین:** در مدت چهار ماهی که در آمریکا بودم برکت بزرگی دریافت کرده‌ام. پدر راستین براستی خود را برای آمریکا وقف نموده است که نتیجه‌اش از این به بعد باید دیده شود. مارتین لوتر کینگ در منطقه‌ی آتلانتا فعال بود و دنیای روح نیز فعالیت بسیاری داشته است. زمانیکه والدین راستین به مناطق مسیحی نشین پا می‌گذارند، آن مناطق دستخوش تغییر می‌شوند و این امر بخاطر پایه‌های پیروزمندانه‌ی والدین راستین می‌باشد.

**رورند کواک:** نوه‌ی مارتین لوتر کینگ و پسر رورند باروت در منطقه‌ی شیکاگو عنوان گسترش دهندگان پیروزمند برکت را دریافت کردند... والدین راستین با بزرگان بسیاری در دنیای روح ارتباط برقرار نموده و صحبت کرده‌اند. در سالگرد تولد روزنامه‌ی واشنگتن تایمز افراد مهم بسیاری شرکت کردند و پدر راستین در این گردهمایی سخنان مهمی ارائه دادند. ایشان فرمودند که مسیحیت معنای نجات را نمی‌داند و تمامی کلیساها باید صلیب را پائین بکشند. چقدر شگفت‌انگیز است! این امر خواست خدا و عیسی می‌باشد و به همین خاطر پدر راستین تاکید زیادی بر آن داشته‌اند.

**پدر راستین:** پائین کشیدن صلیب کار آسانی نیست. صلیب ربطی با نجات ندارد، مسیحیان بعد از رفتن به دنیای روح تا به ابد احساس پشیمانی خواهند کرد. مسیحیان و یهودیان باید توبه کنند... ما در عهد آدم چهارم بسر می‌بریم. در این دوره به مذهب نیازی نیست بلکه دوره‌ای است که باید بسوی پادشاهی بهشتی برویم... انسان باید در مورد طبیعت، آب پاک و غیره بداند ... در عهد تکمیل شده همه چیز باید با هم یکی شوند، در آنجا زندگی و نسب خونی خدا با ما یکی خواهد شد. انسان برای دستیابی به کمال به تمامی اینها نیاز دارد... پادشاهی خدا از خانواده آغاز می‌شود، اگر ما آن را بسازیم و گسترش بدهیم، کشور بسادگی ساخته خواهد شد. ... رهبران کراهی، شما باید خانواده، قبیله و کشورتان را بازسازی کنید... ناجیان ملی باید از طریق فکس، تلفن و اینترنت با کشور ماموریت خود ارتباط داشته باشند. هر کسی باید قبیله خودش را بازسازی کند... اگر ما دارای مردم و سرزمین باشیم کشور (چنان ایل گوگ) اسقرار کامل خواهد یافت. ... همسایگان و اهالی اجتماع خود را ویتنس کنید... به خانواده و قبیله‌ی خودتان ببانددیشید. باید به خانواده‌تان کمک نمایید. بر این اساس است که می‌توانیم رئیس جمهور، کابینه و کشور بسازیم.

زنان در خط اول جبهه قرار دارند. در سال ۱۹۷۰ اولین دور بسیج زنان صورت گرفت و این بار سومین دوره ی بسیج عمومی زنان می‌باشد... ما اکنون به دوره‌ای گام نهاده‌ایم که می‌توانیم با والدین خود زندگی کنیم، دوره‌ای که در آن سه نسل یکی شده، نژادها یکی شده و کشورها یکی می‌شوند... این آخرین دوره‌ی بسیج عمومی است، شما می‌توانید در خانه مانده و ویتنس کنید، نیازی به خارج شدن از خانه نیست... شما باید برای شادی و خوشحالی انسانها هر چه دارید وقف کنید... قبل از ازدواج همه چیز به خدا تعلق دارد، بعد از برکت ازدواج دوباره تمامی آنها را باز می‌یابید... ما باید برای اتحاد دو کره کمک کنیم... جام فوتبال سان مون نیز برای اتحاد کشورها است... در نهضت هماهنگ پاک‌ی مردان بسیار مهمتر از پاک‌ی زنان است. آیا شما زنان می‌خواهید زن راستین باشید یا زن سقوط کرده؟ شما باید حتی بهتر از مادر راستین باشید. ما باید از مادر راستین بیاموزیم... من زنان را آزاد ساختم و همگی آنها باید برکت بگیرند... مادران بسیاری در خانواده‌های فروپاشیده از بین رفته‌اند. شما باید بطور مطلق از مادر راستین پیروی کنید... اگر مادر سان جین از من پیروی می‌کرد من هرگز مورد سوءفاهم قرار نمی‌گرفتم ولی او با من از در مخالفت درآمد و اکنون پشیمان است. شما نیز باید از من پیروی کنید...

عکس خانوادگی خودتان را همواره در جیب خودتان حمل کنید. عکس همسر و فرزندان خودتان را، شوهر باید عکس همسرش را در سمت چپ نگه دارد، شما باید از همسران خود نگهداری و مواظبت کنید... به‌مراه داشتن عکس خانوادگی برای برقراری اتحاد می‌باشد... اگر همسر شما به دنیای روح رفت شما نباید به کس دیگری فکر کنید زیرا او در درون شما زندگی می‌کند. به هر جایی که می‌روید، در هر جائیکه هستید، باید با هم باشید. در هون دوک هم نیز تنها حاضر نشوید، اگر چنین چیزی دشوار بود زن به اتفاق پسرش و یا پدر به اتفاق دخترش هون دوک را اجرا کنند... اگر شما با مشکلات (زناشویی) روبرو هستید، باید برای از بین بردن آن سه سال تلاش داشته باشید... از امروز حوزه‌ی پیروزی آزادی باید در تمامی دنیا گسترش پیدا کند... تمامی مشکلات خانوادگی و قبیله‌ای باید حل و فصل بشوند... در هنگام دعا، دست راست مرد بالای دست چپ زن و دست چپ او پائین دست راست زن قرار می‌گیرد و این به معنای در آغوش گرفتن تمامی جهان هستی است... اگر نسل اول خطائی مرتکب بشود نسل‌های بسیاری باید غرامت بپردازند... در مسابقات جام صلح سان مون باید لباس سفید بپوشید...

پایان/